

یادنامہ
دکتر مسین

پرویز امان ایران
مادی از

خانم نشاط و توفیق مادی امان
تدوین کنندہ:

محمد حسین قابل نژاد سردودی

(جلد اول)

سر شناسه	قابل‌نژاد سردرودی، محمدحسین، ۱۳۴۰-
عنوان و پدیدآور	یادنامه‌ی دکتر مبین پدر جذامیان ایران و یادی از خانم نشاط وثوقی مادر جذامیان / تدوین‌کننده محمدحسین قابل‌نژاد سردرودی.
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	ج ۲: مصور.
شابک	شابک ج (۱): ۷-۸۹۴-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸ شابک ج (۲): ۴-۸۹۵-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع	مبین، محمدحسین، ۱۳۰۶ - ۱۳۹۴. -- یادنامه‌ها
موضوع	وثوقی، نشاط، ۱۳۱۰ - -- یادنامه‌ها
موضوع	نیکوکاران -- ایران -- تبریز -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	Benefactors -- Iran -- Tabriz -- *Addresses, essays, lectures :
موضوع	پزشکان ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	*Iranian physicians-- ۲۰th century -- Biography :
موضوع	پزشکان -- ایران -- تبریز -- سرگذشتنامه
موضوع	Physicians -- Iran -- Tabriz -- Biography :
موضوع	جذام -- ایران -- تبریز -- بیمارستان‌ها
موضوع	Leprosy -- Hospitals -- Iran -- Tabriz :
موضوع	جذام -- ایران -- تبریز -- درمان
موضوع	Leprosy -- Treatment -- Iran -- Tabriz :
رده بندی کنگره	۵۷۱.۲۰۲۱۰۵: ۶۳۳.۲
رده بندی دیویی	۵۵۰.۲۰۲۵: ۶۱۰
شماره کتابخانه ملی	۴۰۸۷۸۷۰



نشر اختر

یادنامه‌ی دکتر سید محمد حسین مبین

پدر جذامیان ایران و یادی از خانم نشاط وثوقی مادر جذامیان (جلد اول)

تدوین: محمد حسین قابل نژاد سردرودی

طرح روی جلد: مهدی میمندی

خط عنوان: استاد علی احمدزاده • صفحه آرای: آزاد مهروند

چاپ اول ۱۳۹۶ • ۷۰۴ صفحه • قطع وزیری • شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک جلد (۱): ۷-۸۹۴-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک جلد (۲): ۴-۸۹۵-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸

تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ و ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت دوره دو جلدی: ۱۴۰۰۰۰ تومان

*** جلد اول ***

۴۳	 مقدمہ
	محمد حسین قابل نژاد سردرودی
۶۷	 دکتہ محمد رضا پور محمدی
	بہ یاد دکتہ حسین
۶۹	 دکتہ محمد پور
	دکتہ مبین زین انساہت
۷۱	 دکتہ حسین محمدزاد صابقی
	پیام حکیم
۷۶	 دکتہ علی اصغر شعر دوست
	حکیمی ادیب
۸۴	 استاد حسین مدرس زادہ
	شیخ رئیس زمان
۸۷	 پیام دکتہ مسعود پزشکیان
۸۸	 پیام دکتہ سبحان الہی
۸۹	 پیام مهندس فراہنگ پور
۹۰	 پیام دکتہ جودتی
۹۱	 پیام دکتہ حسین زادہ دلیر
۹۳	 پیام دکتہ محمد رضا پور محمدی
۹۴	 پیام دکتہ محمد حسن لواسانی
۹۵	 پیام آقای رسول بشیری
۹۶	 پیام دکتہ شکور اکبر نژاد

- پیام دکتر صادق نجفی ۹۷
- پیام دکتر سیدحسن هاشمی ۱۰۰
- پیام دکتر علی رضا زالی ۱۰۲
- پیام دکتر اسماعیل جبارزاده ۱۰۳
- پیام دکتر رحیم شهرتی فر ۱۰۴
- پیام دکتر شهرام دبیری ۱۰۵
- پیام آقای سعید حاجی زاده ۱۰۶
- پیام دکتر یحیی دولتی ۱۰۷
- مجموعه مقالات ۱۰۸
- پروفسور ذاکر ز سر دودی ۱۱۱
- دکتر مبین الگوی برای انتخاب از علمی جوان
- دکتر محمد حریری اکبری ۱۱۵
- اونودولماز حکیم لریمیز (ترکی)
- آقای نعمت مسگری ۱۴۳
- جذاملی سارا و دوکتور مبین (ترکی)
- استاد یحیی شیدا ۱۶۲
- آذربایجانین خلف اوغلو (ترکی)
- استاد غلامرضا طباطبایی مجد ۱۶۸
- شمشک با طعم نشاط
- آقای محمدرضا ملکپور (ناظر شرفخانه‌ای) ۱۷۶
- مبین با چهره‌ای آرام و متین
- پروفسور سیدحسن امین ۱۷۸
- در بزرگداشت دکتر مبین
- خانم رقیه کبیری ۱۸۰

- روزنی بر خانه‌ی سیاه
- ۱۸۶ آقای سید مسعود پیمان
- دکتر مبین پدر جذامیان ایران
- ۱۹۰ پروفیسور علی اکبر ترابی
- دولت جاوید یافت
- ۱۹۲ مجموعه عکس (۱)
- ۲۰۹ آقای سید علی طاهری اعظم
- گذری بر زندگی دکتر مبین
- ۲۱۴ آقای جواد دربندی
- روزی که جذامیان گریست
- ۲۲۸ حجت الاسلام حاج شیخ محمد خاغانه
- دکتر مبین ، مبین شخصیت انسانی
- ۲۳۳ آقای حسین دوستی
- به یاد خدمات ۵۰ ساله دکتر مبین
- ۲۴۲ استاد انزاب خویی
- پزشکی با ذوق عالی شاعری
- ۲۱۱ استاد قاسم ترکان
- یادی از بابا باغی و پدر جذامیان
- ۲۵۷ استاد بهروز خاماچی
- یادی از دکتر مبین
- ۲۶۸ استاد رضا همراز
- دکتور مبین و یازچیلیق دونیاسی (ترکی)
- ۲۷۴ وطن سنورلیک و دیل اؤنمی نین یئری شیمشکین شعرلرینده (ترکی)

- ۲۷۹ آقای حسن دمیرچی
بیر بویوک انسانلا خاطره لریم (ترکی)
- ۲۸۱ دکتر ابوالفضل علی محمدی
آخرین حکیم از سلسله حکمای نامی ایران
- ۲۸۴ دکتر عبدالحسن کاظمی سردرودی
مسیح جذامیان ، دکتر مبین
- ۲۹۳ دکتر جلیل شریانلو
دکتر مبین و حج ربه البیت
- ۲۹۷ آقای علی در کفاش
مرد با وقار مهران
- ۳۰۱ دکتر علیرضا رین
شیمشک ، شاعر آینه ها دل ها
- ۳۰۵ دکتر قاسم الهیاری
یاران موافق همه از دست شدند
- ۳۱۱ آقای محمود رنجبر فخری
در عمق دلها ماندگار
- ۳۱۷ آقای رسول قدیری
دکتر مبین باشقا بیر انسان (ترکی)
- ۳۲۶ آقای جعفر سرخی
پیر خراباتیان
- ۳۲۹ آقای ابراهیم ساوالان
بیر عؤمور ، بیر یول (ترکی)
- ۳۳۴ آقای بختیار خسروشاهی
انسان (ترکی)
- ۳۵۲ آقای رضا حصارلی

شیمشکین دگرلندیرمه مراسمی سردری شهرینده (ترکی)

۳۵۵ آقای مقصود سامع سردودی

نگاهی به زندگی و آثار دکتر مبین

۳۵۹ آقای یوسف کوکی

قیسا سوز (ترکی)

۳۶۱ استاد منوچهر عزیزی

فریاد سکوت در اعماق آلام

۳۶۴ دکتر محمدرضا رائی پور

شیمشکین سحرلرینه بیر باخیش (ترکی)

۳۶۸ مجموعه عکس (۳)

۳۸۵ آقای صمد چایلی

بیلگین دوقتور مبین (ترکی)

۳۸۷ آقای مهدی قنبروند

خانه سیاه بود، اکنون سپید سپید است ...

۳۹۳ آقای رضا غفاری

ادبیات نه اوچون دور؟ (ترکی)

۳۹۷ آقای میرجعفر حسینی کوجه باغ

آسایشگاه بابا باغی در گذر زمان

۴۰۳ آقای صمد رحمانی

شعرده انسان لیق توخومو اکن حکیم شاعر (ترکی)

۴۱۴ آقای آرش ساعی

اینسان لارا چاخان یاغیش شیمشه‌یی (ترکی)

۴۱۷ آقای ناصر باقرزاده کریمی

دکتر سید محمد حسین مبین "شیمشک" آنی سی (ترکی)

- ۴۲۱ دکتر رضا موقر
به بهانه چهلمین روز درگذشت دکتر مبین
- ۴۲۵ آقای اسداله عبداللهیان
زندگی و آثار استاد دکتر مبین
- ۴۴۲ آقای محمد صادق امجدی
طیب جذامیان
- ۴۴۹ آقای ممدعلی نقابی
مردن بزگ از دیار تبریز
- ۴۵۴ رؤیا
اولی یوخ اولی یی ایلدا آخی یوخ آخری یی انتها
- ۴۵۷ آقای حسن بابائی
دوکتور مبین نین اولومو ییریمک دیر (ترکی)
- ۴۶۳ آقای مختار مسلمی
دکتر مبین اسطوره وارستگی
- ۴۶۸ آقای ابوطالب الهیاری
دکتر مبین داغ دوزوملی (ترکی)
- ۴۷۳ دکتر حمید طیبی خسروشاهی
دکتر مبین ، یار دیرین استاد شهریار
- ۴۷۷ مهندس فرشید مثمر
دکتر مبین مرد میدان زندگی
- ۴۸۵ آقای غفار عادل لاهیجان
دکتر مبین الگوی تعالی انسان عصر حاضر
- ۴۸۶ آقای روح اله ایرانی
دکتر مبین ، آذربایجان اوجا داغلاریندان (ترکی)

- ۴۸۹ آقای کاظم رستمی
- دکتر مبین رادمرد سرزمین کهن
- ۴۹۴ آقای جواد حلاجی
- آذربایجانین خلف اوغلان لاریندان خاطیره (ترکی)
- ۴۹۷ آقای ابراهیم پورحسین خونیک
- تا ابد در آرامش
- ۴۹۹ آقای کیان اسفندیاری
- ارمغان لذت زیستن
- ۵۰۱ آقای هوشنگ ...
- دکتر مبین (جز به ساندر (ترکی)
- ۵۱۰ آقای نصیر پایه گدا
- لقماندی گلیبدر مگر ایریه
- ۵۱۲ خانم رعنا رنجبرزاده
- در وداع دکتر مبین
- ۵۱۷ آقای حسن بهتاش
- جاده صدا می زند از دور ...
- ۵۲۳ آقای غلامرضا عربی نژاد
- آفتابی در میان سایه
- ۱۳۲ خانم فاطمه عربی نژاد
- نگاهی به زندگی دکتر مبین
- ۵۳۷ خانم سوین عربی نژاد
- یکی بود یکی نبود...
- ۵۳۹ آقای رضا عالی
- باشام گوپلرینده دویغو شیمشکی (ترکی)
- ۵۴۲ آقای محرم فرزانه

مجموعه عکس (۳) ۵۴۴

آقای رضا شیخ زاده ۵۶۱
مردی از جنس عشق

آقای مجید رضازاد عمو زین الدین ۵۶۴
گزارشی از بابا باغی

آقای محمد علی معصومی ۵۷۶
شخصیت نادر

آقای مهدی ۵۸۰
دکتر مبین باشی اوج ویدارلی (ترکی)

آقای مهدوی ۵۸۸
مردی از تبار عشق

آقای غلامرضا قلی زاده ۵۹۳
سارا دختر زیبای کوهستان

آقای سید یحیی مرتضایی ۶۰۱
مردی که عمرش را وقف جذامیان کرد

استاد محسن منصوری ۶۰۴
دکتر مبین مردی از تبار انبیاء

دکتر زهرا احمدی ۶۰۸
قاف نشین علم و معنویت و شرافت

آقای اتابک تیموری ۶۱۰
باشین ساغ اولسون اینسانلیق (ترکی)

مهندس محسن مجیدی ۶۱۲

حیف دانا مردن و افسوس نادان زیستن

۶۱۸ دکتر بهروز ساری صراف

دکتر میتن نماد انسانیت

۶۲۰ آقای علی اکبر قابل نژاد سردرودی

اولیاء ا. و عبد صالح و خادم مخلص

۶۲۴ خانم سمانه رزمپور

دکتر میتن ملقب به پدر جذامیان ایران

۶۲۷ مهندس جعفر کیوانچهر

مسیحای حکیم و طبیب (ترکی)

۶۳۱ آقای علی احمد غفاری نیا

دو اسطوره فتاحیدر آذربایجان ، دکتر میتن و خانم وثوقی

۶۴۵ استاد منوچهر عزیزی

کجاست شیمشک بابک اندیش

۶۴۹ زنده یاد صمد بهرنگی

بیر گزارش جودام خانادان (مترجم: استاد رضا همراز) (ترکی)

۶۷۵ خانم معصومه زادایمانی

دکتر میتن دریای عاطفه و احساس

۶۷۷ آقای غلامحسین مولائی

استاد اخلاق و ادب

۶۸۰ آقای محمدرضا جمیری

اسوه ایشار

۶۸۵ استاد رضا همراز

نقش هنرمندان در تکوین شخصیت دکتر میتن

۶۹۱ از پایگاه اطلاع رسانی آناج

دکتر میتن پزشک درد آشنای آذربایجانی

- ۶۹۶ آقای داود اسمعیلی نوجه دهی
دکتر مبین نامت جاودانه خواهد ماند
- ۶۹۹ از روزنامه فجر آذربایجان
روز عاشورا ، کنار جذامیان

*** جلد دوم ***

- ۷۲۵ آقای منوچهر ملک قاسمی
دست یاب به سعادت با دکتر مبین
- ۷۴۵ پروفسور دژد اسمعیلی
یادی از دوست
- ۷۵۰ گزارشی از افتتاح کتابخانه استاد مبین در روستای کرمجوان هریس ...
به همت انتشارات هدف از تسم
- ۷۵۳ مجموعه عکس (۴)
- ۷۶۹ جمعیت خیریه قلبهای سبز
گزارشی از تجلیل خیرین شهر تبریز از دکتر مبین
- ۷۷۰ دکتر سعید نامور
گزارشی مختصر از فعالیت‌های جمعیت خیریه قلبهای سبز
- ۷۷۷ خانم دونا محمدپور
حکیم فداکار
- ۷۸۰ گزارشی از روز پایانی کنگره درماتولوژی شمالغرب کشور
بزرگداشت استاد دکتر سید محمدحسین مبین
- ۷۸۳ از روزنامه افتخارات ملی

قدرشناسی جذامیان

- ۷۸۶ آقای مهرداد خوشکار مقدم
- دکتر مبین پدری برای جذامیان
- ۷۹۳ خانم مهوش یزدانی
- دکتر مبین مردی از جنس باران
- ۷۹۶ آقای صادق شناور
- دکتر مبین حاقیندا بیر نچه سؤز (ترکی)
- ۷۹۹ آقای آیدر، نادر،
- ۸۰۰ خانم سونا سفیری
- ۸۰۲ خانم ناز خانم صبیری
- دکتر سید محمد حسین حقیقه (ترکی)
- ۸۰۶ آقای باقر رشادتی
- عروج مسیح جذامیان به اعنی علی
- ۸۱۰ دوهالی قاباقجیل حکیم (ترکی)
- ۸۱۶ آقای محمد قدکی
- ۸۱۸ استاد حسین مدرّس زاده
- نفس مبین نفس ناطقه
- ۸۲۲ آقای میرحبیب صدر
- پزشک حاذق و مرد توانا
- ۸۲۴ آقای حجت الاسلام هادی سلطان محمدی
- دکتر مبین خدمتگذار متعهد جذامیان ایران
- ۸۳۵ از هفته نامه داخلی شهرداری تبریز
- بابا باغی میراث مبین را دریابیم
- ۸۳۷ از مطالب رسیده به دست ما
- دکتر مبین و رای هر مقیاس

۸۴۰ از نشریه شمس تبریز

دکتر مبین خیر به تمام معانی

۸۴۴ یک خاطره از سرهنگ میرحسن مبین

۸۴۸ یک خاطره از آقای مصطفی قلی زاده علیار

۸۵۴ یک خاطره از آقای ذوالفقار کمالی

۸۵۶ یک خاطره از استاد هاشم چاووشی

۸۵۸ یک خاطره از آقای رضا حسینی

۸۵۹ یک خاطره از دکتر حسین طباطبایی

۸۶۲ یک خاطره از دکتر علی حاجی‌وند

۸۶۳ یک خاطره از دکتر سجاد میلانی

۸۶۸ یک خاطره از آقای عباس حسینی

۸۷۱ یک خاطره از آقای رضا حاجی‌اقی

۸۴۷ یک خاطره از آقای قاسم ترک‌کار

۸۸۲ یک خاطره از استاد حسین نجفی

۸۸۴ یک خاطره از دکتر حمید صبری

۸۸۷ یک خاطره از استاد محمدعلی جدیدالاسلام

۸۸۹ یک خاطره از آقای اسداله ممقانی

بازگویی خاطره دکتر بهمن قندچی

۸۹۴ یک خاطره از آقای علی حامد ایمان

۸۹۸ یک خاطره از آقای علی اکبر قلی زاده

۹۰۰ یک خاطره از خانم افسانه ابراهیمیان

۹۰۱ یک خاطره از آقای سیدهادی بهجت تبریزی

۹۰۳ یک خاطره از آقای حسن بیگ هادی

۹۰۵ یک خاطره از آقای حسن تبریزی

یک خاطره از آقای محمد یآوری بایرامی ۹۰۸

مجموع عکس (۵) ۹۱۱

مصاحبه با شادروان خانم نشاط وثوقی ۹۲۹

مصاحبه با خانم رباب سبک خیز (منشی دکتر مبین) ۹۳۱

مصاحبه با دکتر شهرزاد مبین توسط خانم فرانک فرید ۹۳۴

مصاحبه با دکتر علی مرسلی اهری ۹۴۶

مصاحبه با دکتر مبین از آقای علی اکبر افتخاری ۹۶۲

گفتگو با دکتر سید محمد علی از آقای حامد خسروشاهی ۹۷۲

گفتگو با دکتر مبین از خانم شراره بقینی ۹۷۵

گفتگو از آقای نادر قهوه‌چی عالی ۹۸۰

گفتگو با دکتر مبین از آقای مقصود جامع ۹۸۴

گفتگو با جذامیان بابا باغی

آقای علی بابا خزائی ۹۸۹

آقای سلیمان فدوی ۹۹۱

آقای محمد علی مراد ۹۹۲

آقای خیراله شاهی ۹۹۴

آقای علی غلامی ۹۹۶

آقای عوض فرجی ۹۹۹

آقای جمشید عباسی ۱۰۰۱

شیمشک و شعرا ۱۰۰۳

- ۱۰۰۴ استاد عابد
- ۱۰۰۶ آقای عزیز دولت آبادی (ترکی)
- ۱۰۱۰ دکتر علی اکبر ترابی (ترکی)
- ۱۰۱۲ آقای محمد مدرّس (ترکی)
- ۱۰۱۴ دکتر مبین در جواب به آقای محمد مدرّس (ترکی)
- ۱۰۱۵ آقای سیدعلی موسوی
- ۱۰۱۶ آقای عبدالحسین محمدی (ترکی)
- ۱۰۱۹ آقای خدیو سیدی کلیر (ترکی)
- ۱۰۲۲ آقای علی قای کاتبی
- ۱۰۲۳ آقای محمد مدو (ترکی)
- ۱۰۲۵ آقای حاج علی عباسیه (ترکی)
- ۱۰۲۶ استاد حسین شهرک (ترکی)
- ۱۰۳۱ آقای عباس سهرابی (ترکی)
- ۱۰۳۴ آقای حمید سخامهر
- ۱۰۳۵ استاد حسین نجفی (ترکی)
- ۱۰۳۶ جناب باقریان (ترکی)
- ۱۰۳۸ خانم نیگار خیاوی (ترکی)
- ۱۰۴۰ استاد نصیر پایه گذار (ترکی)
- ۱۰۴۴ آقای حسن جزائریان
- ۱۰۴۶ آقای سینا فرهام نیا (ترکی)
- ۱۰۴۷ آقای احمد محتشمی (ترکی)
- ۱۰۴۸ آقای میرمسعود صفری (ترکی)
- ۱۰۵۰ آقای عیسی پاشاپور
- ۱۰۵۱ خانم مرضیه مجیدی
- ۱۰۵۲ آقای احمد مدرّس زاده

- ۱۰۵۴ آقای خیری زندآباد
- ۱۰۵۵ آقای فانی تبریزی
- ۱۰۵۸ آقای امین سلطان القرائی - ماده تاریخ وفات (ترکی)
- ۱۰۵۹ آقای رسول قدیری (ترکی)
- ۱۰۶۱ آقای کریم احمدیان (ترکی)
- ۱۰۶۳ آقای محمود پدیده
- ۱۰۶۶ خانم نیلوفر ملکی (ترکی)
- ۱۰۶۷ آقای علو زارعیان (شاملی) (ترکی)
- ۱۰۶۸ آقای علیا فابی (ترکی)
- ۱۰۶۹ استاد کریم مشیر به (ترکی)
- ۱۰۷۵ آقای سعید رادین نیا
- ۱۰۷۷ آقای الیاس نظری (ترکی)
- ۱۰۸۵ آقای رسول فصیحی (ترکی)
- ۱۰۸۸ آقای داور زمانخانی (ترکی)
- ۱۰۹۰ آقای جاوید مدرس اول (موشح دکتر محمد حسین مبین پدر جذامیان)
- ۱۰۹۴ آقای یوسفعلی گلدسته کجبادی (ترکی)
- ۱۰۹۸ آقای ابوالفضل وصالی (ترکی)
- ۱۱۰۰ آقای میرحسین قلی ریاحی فر (ترکی)
- ۱۱۰۲ آقای احمد نیکی (ترکی)
- ۱۱۰۳ مجموعه عکس (۶)
- ۱۱۲۱ دکتر پرویز صانعی (ترکی)
- ۱۱۲۶ آقای علی پاشاپور
- ۱۱۲۷ خانم مهین یعقوبی

- ۱۱۳۱ آقای رامین عسگریان (ترکی)
- ۱۱۳۴ عاشق غفار ابراہیمی (ترکی)
- ۱۱۳۸ آقای مسعود شریعتی (ترکی)
- ۱۱۴۰ آقای علی اصغر شہابی (مادہ تاریخ وفات)
- ۱۱۴۱ استاد داوود مٹمر
- ۱۱۴۲ عاشق گول احمد محمد اوغلو (ترکی)
- ۱۱۴۴ آقای موسیٰ انصاری (ترکی)
- ۱۱۴۵ آقای علی ملازادہ (ترکی)
- ۱۱۴۷ آقای جمال نعلبندی (ترکی)
- ۱۱۴۹ آقای حسین مدرس زادہ
- ۱۱۵۱ آقای اسلام حقیقی (ترکی)
- ۱۱۵۳ آقای عباسعلی عباسی
- ۱۱۵۵ آقای الیاس منصوری خسروشامی
- ۱۱۵۷ آقای احمد سلطان آبادی فرشی
- ۱۱۵۹ آقای حسن رحمانی (ترکی)
- ۱۱۶۲ آقای ابوالفضل محبی (ترکی)
- ۱۱۶۳ آقای داریوش عبدالہی فرد (ترکی)
- ۱۱۶۹ آقای علی اکبر قلی زادہ (موشح سید محمد حسین مبین)
- ۱۱۷۰ آقای حسین زادہ (ترکی)
- ۱۱۷۱ استاد عباسقلی دھقان دیزجی (ترکی)
- ۱۱۸۲ خانم افسون بہنژاد
- ۱۱۸۴ آقای ذوالفقار کمالی (ترکی)
- ۱۱۸۸ آقای محمدرضا مہرزاد صدقیانی (ترکی)
- ۱۱۸۹ خانم زرین زرنندی (ترکی)
- ۱۱۹۱ آقای اوروج خیری (ترکی)

- ۱۱۹۳ آقای جهان محبی (ترکی)
- ۱۱۹۴ آقای سید جعفر سردرودی
- ۱۱۹۶ استاد حبیب محسنی اعلا (ترکی)
- ۱۱۹۸ آقای خدا رحیم عزیزی (ترکی)
- ۱۲۰۰ آقای بهروز ایمانی (ترکی)
- ۱۲۰۱ آقای محمد لزگی پور (ترکی)
- ۱۲۰۳ آقای عبدالحسین پیوندی (ترکی)
- ۱۲۰۴ آقای رحیم اسداللهی (ترکی)
- ۱۲۱۰ خانم بهیدا مانی
- ۱۲۱۱ آقای حسن سرزنی (ترکی)
- ۱۲۱۳ استاد ثاقب مراغه‌ای (ترکی)
- ۱۲۱۴ آقای آرش احمدی (ترکی)
- ۱۲۱۵ آقای حاج رامین بخشی (ترکی)
- ۱۲۱۶ آقای اسرافیل محمدی
- ۱۲۱۸ آقای جواد صولتی (ترکی)
- ۱۲۲۰ آقای یداله نعمت پور (ترکی)
- ۱۲۲۱ آقای عباس دهقانی (ترکی)
- ۱۲۲۷ آقای محمد قولی میاب (ترکی)
- ۱۲۲۸ آقای ترابی مرند
- ۱۲۲۹ آقای اسماعیل اکبرزاده خانمیری (ترکی)
- ۱۲۳۲ آقای وهاب حیدری (ترکی)
- ۱۲۳۳ آقای حجت الاسلام هادی سلطان محمدی
- ۱۲۳۶ خانم صفیه مرقات خوئی (ترکی)
- ۱۲۳۷ آقای منصور کلامی فرد
- ۱۲۳۹ از اشعار رسیده به دست ما

- ۱۲۴۲ آقای محمدحسین قابل نژاد سردرودی (ترکی)
- ۱۲۴۶ استاد حاج میرزا حسین کریمی مراغه‌ای
- ۱۲۵۱ گلچینی از اشعار دکتر مین (شیمشک)
- ۱۲۵۲ بامداد خیل
- ۱۲۵۴ بیمار تپه نشین
- ۱۲۵۶ نخل
- ۱۲۵۸ عروس سرهایم
- ۱۲۶۰ استقبال از «سایه»
- ۱۲۶۱ می زده
- ۱۲۶۲ خلوتگه خویش
- ۱۲۶۳ ماه تبریز
- ۱۲۶۴ نه گرک دیر
- ۱۲۶۵ عشقیله من
- ۱۲۶۸ سویرم بو باغی - داشی تپراغی
- ۱۲۷۰ جودام‌لی سارا
- ۱۲۷۴ توت الیمن شاه شاهان یا حسین (ع)
- ۱۲۷۶ دیل یاراسی
- ۱۲۷۷ قاچاق اولدوز
- ۱۲۷۸ تبریزیم
- ۱۲۷۹ ییلمیرم نه دنسه ؟
- ۱۲۸۰ مجموعه عکس (۷)

- ۱۲۹۷ ای معلم سنه قربان بو جانیم
- ۱۲۹۹ یالقیز شاعر
- ۱۳۰۱ حسینی زیستن
- ۱۳۰۳ زمین نینوا
- ۱۳۰۵ نمونه دستخط و مدارک شخصی دکتر مین
- ۱۳۷۴ آثاری از هـ. عنندان
- ۱۴۰۰ مجموعه عکس ۱۲۰۱

www.ketab.ir



محمدحسین قابل نژاد سردرودی

متولد سردرود ۱۳۴۰

تالیفات: دوره گلستان حکیم - دایره المعارف سخن - تاریخ اجتماعی سردرود
تدوین: چنامه: استاد کریمی مراغه‌ای - دکتر مبین - حیدر عباسی - دکتر صدیق و ...
دیوان: سار آکی و فارسی و مقالات متعدد

مقدمه ...

یا هو...

ما مشاهیر زیادی داریم که باید آنها را شناخته و ارج نهیم و بهتر آنکه در حال حیات‌شان میزان علم و هنر آن عزیزان را نیک بسنجیم و به همان میزان از ایشان قدردانی نمائیم و بنظر من قدردانی زبانی لازم، ولی لحظه‌ای و گذرا است. اما قدردانی کتبی و بصورت نگارش و در حد لوح و قلمرسمه و تابلو، ماندگاریش بیشتر خواهد بود و اگر بصورت کتاب، مانند این ارج‌نامه آید من بزرگان دانش و ادب خواهد گشت و بعنوان بهترین و گرانبهاترین تحفه از طرف بزرگان بسوی بزرگی دیگر، دست بدست خواهد شد و جایگاهش در عالی‌ترین قسمت کتابخانه‌ها و قفسه‌های کتاب خواهد بود و مطالبش دهان به دهان مورد گفتگو و استفاده قرار خواهد گرفت و جاویدان خواهد ماند و در دلها خواهد نشست. من در این راستا به بیش از ده نفر از مشاهیر ارجمند آذربایجان، ارج‌نامه تدوین می‌کنم و چند نفر آن بزرگواران را در اولویت قرار داده‌ام که **دکتر مبین** را مقدم شمردم. چنانچه میرزا حسن رشیدیه «پدر مدرسه نوین ایران» فرموده: مؤخر را مقدم داشتن، مقدم را از دست دادن است. و من ارج‌نامه این رادمرد را که بدرستی معنای همنوع دوستی

بود، در حال حیات ایشان، چند ماه قبل از ارتحالش (خرداد ماه ۱۳۹۴) شروع کرده بودم و در نظر داشتم ارج نامه‌ای دویست - سیصد صفحه‌ای تدوین و به خدمت‌شان و به خانواده‌ی محترمشان و به جامعه علم و ادب تقدیم نمایم ولی حیف و صد افسوس که قبل از اتمام مقدار مورد نظر، از دست ما رفت. لذا تعجیل را تعطیل کردم و خواستم با صبر و حوصله یادنامه‌ی مفصل‌تر فراهم و تنظیم کنم و قبل از اینها ارج‌نامه **استاد کریمی مراغه‌ای** در دست تدوین بود، یعنی از اردیبهشت سال ۱۳۹۴ شروع و نصف کار انجام شده بود و بعداً به فکر دیگر ارج‌نامه افتادم. لذا به سرعت تمام روی ارج نامه **استاد کریمی** کار می‌کردم و همزمان به جمع‌آوری این اثر، وقت می‌گذاشتم و برای این یادنامه که در دست دارید، روزی فراوان بردم، به قدری که تقریباً از عهده اهل این زمانه خارج است برای جمع‌آوری شعر و مقاله به چند استان بارها سفر کردم. شهر به شهر و آبادی به آبادی گشتم. در محافل و مجالس تشریف به صد انجمن ادبی، شرکت کردم. سخن گفتم و موضوع را توضیح دادم. به بعضی از شهرها بیش از ۱۰ بار رفتم. به خدمت صدها استاد، نویسنده و شاعر رسیدم. اشناس و همکاران **دکتر مبین** را که در همه جای ایران پراکنده بودند سراغ گرفتم یا پیدا نمی‌کردند یا همکاری را موکول به آتی می‌کردند. دنبال فیلم و عکس و نامه و خاطرات آن قبیل آثار بودم. یا هیچ نبود و یا نمی‌دادند. ولی حرف زیاد است و قصه در ... حرف به بیشتر تلقاً می‌کردم کمتر جواب می‌گرفتم اما صبور بودم و شکیباً. دریا دل برده و چون کوه استوار، تا درخت صبوری‌ام به بار نشست. درد آشنایانی پیدا گشت و درد مرا احساس کردند و پیام مرا دریافتند. روزنه‌امیدی باز شد چنانچه حکیم نظامی گفته :

در نومی‌دی بسی امید است

پایان شب سیه سپید است

خلاصه سخن از انسانیت است. سخن از کسی است که در انسانیت سنگ تمام گذاشته و مرام و هم‌نوع دوستی را به مرحله‌ی اعلی رسانده و خود را مصداق این شعر

زیبای سعدی شیرازی کرده که بهتر از این سخن یافت نشده که در بالای درب
سازمان ملل متحد کتیبه کنند و آن مکان برای این شعر جایگاه بالائی نیست بلکه
خود از این شعر فضیلت و والائی می‌یابد؛

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

تک‌گز حجت دیگران بی‌غمی
نماید که نامت نهند آدمی

سخن از کسی است انسانیت را معنی کرد. سخن از مسیح محرومان و پدر
مجدومان و حامی مطروران است که بیش از نیم قرن از عمر گرانبهای خود را در
راه خدمت به درماندگان و طبابت بیماران جذامی صرف کرد.

پناه بی پناهان دیر بر همین
گوزل بیر کامل انسان دیر مبین

جردامیای اتاسی مشهور اولموش
نماد عشتار عراقان دیر مبین

چون زندگی این مرد بزرگ به بابا باغی و بیماری جذام بیماران جذامی گره خورده
است لازم میدانم مختصری به این موارد و تاریخ آن اشاره نمایم و نظارت گذرا به
سیر تاریخی بیماری جذام (خوره) اندازم و مطالب کوتاهی بیان نمایم.
بیماری جذام از ادوار دور و باستان بوده و بعد در جریان لشگرکشی‌های سلاطین
هخامنشی و توسط سربازان خشایار شاه طی جنگ ۱۵ ساله با مصر و اسکندر کبیر
و حملات لشگریان مغول و نیز بوسیله‌ی کاروان‌های تجاری از سه کانون مهم
جهانی یعنی چین و هند و مصر به کشورهای دیگر سرایت کرده است و در دهها
کتاب قبل از اسلام و بعد از اسلام از بیماری جذام بنام‌های مختلف مطالبی نوشته

شده است. مثلاً در کتاب اوستا جذام بنام پلید ذکر شده، در قرآن بنام برص و در ایران باستان جذام را شناخته و به این شرح نامیدند:

دیوها - خُرو

ایلامی‌ها - خورا

پارت‌ها - خیراوش

کاروسیان (کاسیان) - خُرو

مзда اهو، اتیان - خوراوا یا خوراوه

آذربایجان - پیسی یا پیس

و ابن سینا در کتاب بزرگ قانون در طب خود درباره بیماری جذام (خوره) و علائم و نحوه‌ی درمان آن سخنی به میان آورده است.

سید اسماعیل جرجانی صاحب کتاب دخیره‌ی خوارزمشاهی در کتاب جامع طبّی فارسی خود به جذام اشاره کرده.

ابوالقاسم خلف زهراوی برای اولین بار شاه‌های عصبی جذام را در کتاب طبّی خود شرح داده.

یوحنا ابن ماسویه در کتاب فی‌الجذام خود به این بیماری پرداخته.

علی ابن عباس اهوازی ارجانی مجوسی در کتاب ماکله‌ی جذام را شرح داده.

ذکریای رازی در کتاب بزرگ الحاوی - علی ابن طبرس - الکندی - گرگانی و طبیب ابن‌قره در کتاب‌های خود درباره جذام سخن گفته‌اند. و نیز یوحنا ابن سرابیون

- لپرلیر ماتورا بعنوان برص سیاه شرح داده. جذام در تمام دنیا بوده. از نظر تاریخی در کاغذهای پاپیروس مصری مربوط به ۱۵۵۰ سال قبل از میلاد شرحی درباره

جذام داده شده و در نوشته‌های هندی مربوط به ۶۰۰ سال قبل از میلاد اشاراتی راجع به آن ثبت و ضبط گردیده است. جذام از مصر و هند به کشورهای دیگر

جهان مین جملہ چین و ژاپن و خاورمیانه و خاور دور مهاجرت کرده و به وسیله سربازان داریوش هنگام مراجعت از فتح مصر ۴۸۰ سال قبل از میلاد به اروپا

سرایت کرده. این بیماری در تمام نقاط ایران دیده شده و در نواحی کردستان،

آذربایجان شرقی و غربی، گیلان و مازندران و خراسان بیشتر شایع است. (علت رشد میکروب در آذربایجان خاک سرخ است. میکروب جذام بنام باسیل هانسن امکان زندگی در این خاک سرخ را دارد.)

وحشت جذام قبل از قرن ۱۸ میلادی جهانی و در ایران بیشتر محسوس بوده است. چنانچه بیمار بیچاره را بر سر کوه‌های بلند دور از آبادی و ته دره‌های عمیق و جنگل‌ها رها می‌کردند و آن بیماران بی‌گناه در آن مکان‌های دور بی‌پناه، بی‌پرستار و بی‌دارو و درمان و بدون غذای آماده زندگی می‌کردند. با گیاهان و میوه درختان و ... تغذیه می‌کردند و با مرگ دست و پنجه نرم کرده به تدریج بدتر شده یا می‌مُردند و اگر به رندی می‌یافتند از ترس مردم به آبادی نمی‌آمدند، اگر می‌آمدند و مردم از بیماری آنها با خبر می‌شدند از خود می‌رانند. چون طبق باورهای خرافی آن مظلومان را اهل جهنم معرفی شده، گناهکار و ... می‌دانستند. آنها دور از آبادی اگر چیزی برای خوردن پیدا کرده، می‌خوردند و اگر غاری و پناهگاهی پیدا کرده، در سرما و گرما و شب‌ها پنهان می‌شدند و یا در اندک زمان تسلیم مرگ نابهنگام شده، چشم از جهان فرو می‌بستند. مردم از دور، ناله‌ای اگر می‌توانستند آنها را از شهر و روستا و از خانه و کاشانه خود دور می‌کردند و اگر ممکن نمی‌شد خود از آنها فرار می‌کردند. بعلت عدم آگاهی بجای مبارزه با جلال و جذام با بیمار بیگناه و جذامی مبارزه می‌کردند، بیماری جهل بدتر از هر بیماری است. خورده گوشت و استخوان را می‌خورد، جهل، مغز و ذهن انسان را. چون میکروب جهل را با ناله‌ای از میکروب خوره، خوره‌تر است. جهل، جذامی است که درمانگاه آن مدرسه و بیمارستان آن، دانشگاه و داروی آن، دانش و طبیبان آن معلمین و دبیران و اساتید دانشگاه‌هاست. بشرطی که خوره به مغز این طبیبان نیفتاده باشد. خلاصه اولین بار ولیدبن عبدالملک جهت رهایی از میکروب مسری جذام به فکر محصور کردن جذامیان در محل مخصوص با پرداخت کمک غذایی و مالی افتاد که در روند پیشگیری از سرایت جذام و بهبود حال جذامیان پراکنده در دشت و بیابان‌های دمشق بسیار مؤثر افتاد. در اواخر قرن ۱۸ میلادی به لحاظ پیشرفت علم پزشکی

میکروب بیماری توسط دانشمندی بنام هانسن کشف و باسیل جذام بنام وی (میکرو باکتریوم لپره یا باسیل هانسن) نام‌گذاری شد و اعلان گردید این بیماری قابل درمان و در صورت پیشگیری مسری نمی‌باشد.

در اروپا از وحشت این مورد و شدت ترس از جذام کاسته شد ولی در ایران هرگز در صورتیکه جذام تر، که خطرناک است در ایران وجود نداشته و ندارد. جذام دو نوع است: خشک و تر.

نوع تر آن خطرناک و کشنده است و علاج آن دشوار و نوع جذام ایران خشک است. اما دولت های جهان سوم خود را موظف دیدند با تشکیل مراکزی به مراقبت از جذامیان بپردازند. در اواخر دوره قاجار قدم‌هایی برداشته شد تا اینکه در سال ۱۲۹۰ شمسی مرکز بنام قلعه‌ی جذامیان در «آرپا دره‌سی» اهر احداث گردید و توسط مأمورین حومه، جذاریان از شهرها و روستاها و از کوه و بیابان‌ها به آن حصار آورده می‌شدند و به دنبال اقدامات ابتدائی ذکر شده در آذربایجان شرقی، مراکزی نیز در محرابخان در مشهد، بهکده رضوی در گرگان و کربلائی رضاخان در نزدیکی مهاباد ساخته شدند. سال ۱۳۰۰ رضاخان پهلوی به سلطنت و اریکه قدرت رسید و قاجاریان از سلطنت خلع گردیدند. در اواخر سال ۱۲۹۹ باباباگی از مالکیت قاجاریه خارج شد و در سال ۱۳۰۰ باباباگی در اختیار اداره بهداشت قرار گرفت ولی با انبوه درختان گلابی و غیره و حمام سنتی و زمینی، چهل اتاق (قیرخ اتاقلار)، انبارها و اسطبل‌ها و دیگر عمارات تفریحی شاهانه به حال خود هاگشت و در سال ۱۳۰۱ نسبتاً حساب و کتابی در خصوص شناسایی و جمع‌آوری و نگهداری جذامیان در حصار قره داغ آربادرسی - گردنه پایان نزدیکی روستای سوودلیق، بعمل آمد و در سال ۱۳۱۰ اندک توجهی به حال زار ایشان شد؛ بصورت تعیین کدخدا، رساندن قوت لایموت، احداث مسجد و غیره. در سال ۱۳۱۰ طرح حصار و آسایشگاه بابا باگی نیز ریخته شد و شروع گردید و در سال ۱۳۱۱ ساختمان چهل اتاق ۴×۳ (قیرخ اوتاق) بابا باگی به تقلید از چهل اتاق قاجاریان که قبلاً در آن منطقه وجود داشت، جهت اسکان جذامیان احداث، ولی تکمیل نگردید و دیوارکشی

و حصار قلعه‌ای به پهنای یک و نیم متر و به بلندی ۳ - ۴ متر ادامه یافت. در سال ۱۳۱۲ حصار و چهل اتاق و انبارهای هیزم و زغال و اتاق‌های دیدبانی و نگهبانی احداث و پایان یافت. آن باغ به مساحت ۷۶۵ هکتار در مالکیت املاک خالصه‌ی دولت، وزارت مالیه، بود. بعداً به اداره کل صحیه مملکتی واگذار و بعد توسط بلدیّه (شهرداری) تبریز به مبلغ شش صد تومان خریداری و جهت اسکان بیماران جذامی در اختیار وزارت بهداشتی قرار گرفت. در اوائل سال ۱۳۱۲ انتقال جذامیان با قطارهای شتر از آریا دره سی به بابا باغی آغاز گردید. نام بابا باغی برگرفته از نام فتحعل شاه حاجار است که به شاه بابا مشهور بود یا ناصرالدین میرزا که به بابا مشهور بود و نیز گویند آن باغ باغبانی داشت معروف به بابا که از نام او گرفته شده است و قسمی از آن به علت وجود درختان انبوه گلابی به باغ گلابی شهرت یافته بود، چون آن محله خروق می‌شد به کووشن قوروق نیز نامیده می‌شد. در سال ۱۳۳۶ فعالیتهای اجتماعی و تحصیلاتی بیماران شروع گردید. در سال ۱۳۳۷ توسط دو معلم مسیحی تعلیم خواندن و نوشتن آغاز شد و نیز در سال ۱۳۳۷ مسجد فعلی تأسیس گردید. در سال ۱۳۴۲ شکونگی موسعه‌ی بهداشت آغاز شد و در سال ۱۳۴۳ ساختمان‌ها از گلی به آجر پخته تغییر یافت و در سال ۱۳۴۶ فرح از باغ بازدید نمود. در سال ۱۳۵۰ مدرسه ابتدائی برای پسران و دختران و نیز از فرزندان دختر و پسر سالم ایجاد گردید. در سال ۱۳۵۰ بابا باغی بالاترین آجر جذامی را داشته که به تعداد ۶۵۰ نفر رسیده بود و در همان سال (۱۳۵۰) معلم رسمی آموزش و پرورش وارد باغ شد و در سال ۱۳۵۵ مدرسه راهنمایی ایجاد گردید.

بزرگی بنگر و همت بین، عزت تماشا کن

مروت بین، جوانمردی نگر غیرت تماشا کن

دکتر سید محمد حسین مبین پسر سید علی، پسر میر حسین، پسر میر محمود، پسر میر الهوردی، پسر میرجعفر بابا موسوی در سیزدهم آذرماه ۱۳۰۶ از مادری بنام خاور خانم در محله قدیمی چرنداب تبریز چشم به جهان گشود. پدر **دکتر مبین** آقا سید علی عطار بودند. در قدیم عطارها، طبیب تجربی هم بودند و

آنگاه که پزشکی را به تجارت آلوده نکرده بودند، طبیب را حکیم می‌گفتند. چون اطلاعات وسیعی در مورد طب سنتی و دردها و درمان‌ها و بیماری‌ها و نحوه‌ی پیشگیری و مقابله با آنها با روش‌های سنتی داشتند و این شغل و اطلاعات سید علی‌آقا شاید در سلامتی و طول عمر افراد این خانواده بی‌تاثیر نبوده، بطوری که هر چهار پسرش سالم و مقاوم بودند. حتی **دکتر مبین** در ۸۸ سالگی با قامت راست راه می‌رفت و حداقل ۴ روز در هر هفته در مطب خود حاضر و به ویزیت بیماران می‌پرداخت و در انجمن ادبی **مدنیت اوجاگی سردرود** شرکت و در هر جلسه در دقایق سخنرانی می‌کرد. سید علی‌آقا علاوه بر اطلاعات طبّی، بی‌خبر از فضیلت علم و دانش نبود، به همین دلیل، آن زمان که به مدرسه فرستادن فرزندان موانع بزرگی داشت، و توانسته بود خود را از خرافات دور نگه داشته و از تقلید کور کورانه خودداری نماید. چنانچه مولانا می‌گوید:

خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

و هر چهار پسر خود را به نوبت به مدرسه بخازرد و در ادامه تحصیل‌شان اهتمام ورزد و آنها را به کسب دانش در حد عالی شوق نماید. چنانچه پسر بزرگشان سیدابراهیم با کسب علم و تلاش به سپهبدی رسید، برادرشان سید یوسف به سرهنگی رسید و سیدحسن نیز به سرهنگی رسید و سید محمد حسین، دکتر و متخصص پوست و مو و آمیزشی بوده و جذام‌شناس شدند.

در سال ۱۳۳۰ مادر خود را از دست داد و پدرش در سال ۱۳۳۴ از دنیا رفت. برادر بزرگشان سیدابراهیم متولد ۱۲۸۶ و در سال ۱۳۷۴ در حالی که ۸۸ سال داشت بدرود حیات گفت. سید یوسف متولد ۱۲۹۵ و در سال ۱۳۷۹ درگذشت در حالیکه ۸۴ سال داشت. سیدحسن برادر کوچک دکتر، خوشبختانه در قید حیات و در کشور سوئد ساکن هستند.

سید محمدحسین دوران ابتدائی را تا کلاس پنجم در تبریز، مدرسه معرفت، که در حوالی کوچه ارک بود گذراند و در سال ۱۳۲۱ در کلاس پنجم ابتدائی قبول شدند.